

نمره ۲

۲۲ ماه جنواری ۱۹۱۹

درباب نزاع مازندران

غره ماه جنواری خبر رسید بین اسمعیل خان امیر مؤید و لطفعلی خان سردار جلیل نزاعی برای ملکی می باشد. طرفین در تهیه سوار و استعداد می باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب شکایت بندر جز

قبل از ورود قزاق منتشر شده بود تراکمه به خیال چاپیدن بندر جز می باشند. تجار بندر متوحش گردیده تلگرافات زیادی به طهران مخابره می نمایند که قوه برای اهالی بندر جز بفرستید. حسب الامر وزارت داخله دو بیست و پنجاه نفر قزاق متدرجاً از بار فروش بندر جز وارد گردیده. لکن از بداخلاقی صاحب منصب روس صاحب منصبان جزء با قزاقها بی اندازه باعث اذیت اهالی بندر و قراء انزان توابع رافراهم آورده که تجار بندر لابد گردیده به وزارت داخله مستدعیانه تلگراف کردند قزاق در بندر جز لازم نیست، به جای دیگر روانه نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

هفتم ماه مذکور وزارت داخله رسماً به کفیل حکومت تلگراف نموده است نواب والا معتمد الدوله به حکومت استرآباد منصوب و آدم کافی می باشد. روز دیگر نواب والا شخصاً به عموم اعیان و اشراف حکومت خود را معرفی و احوال پرسی نمودند.

درباب چپاول

نهم ماه جنواری به توسط مکاری تراکمه بیست و دوبار نطف تجار را از گموش تپه با شتر حمل می نمایند. دوازده نفر رعیت نودیجه و یساقی زیر دروازه شهر بسخو داشته [به] ورود مکاریها شلیک می نمایند. یک نفر ترکمان بایک نفر شترتیر افتاده، بارهای نطرا از جلو قریه زنگی محله به سمت یساقی برده، کفیل حکومت نایب اکبر بادوسه نفر

سوار به قریه یساقی فرستاده بارها را با شترها گرفته و دوسه نفر از مرتکبین [را] به شهر آورده حبس نمودند.

درباب چپاول

شب ۱۲ ماه مذکور تراکمه اتابائی به قریه جعفر آباد نیم فرسخی شمالی آمده دو بیست و هشتاد رأس گوسفند چپاول، بچه چوپان را تیرزده مجروح است.

درباب ورود

چهاردهم ماه جنواری یکصد نفر قزاق از بندر جز وارد به استرآباد گردیده. لکن قونسول روس انتشار می دهد عده [ای] قزاق برای امنیت قونسلخانه آمده، چون صاحب منصب قزاقها روس است قونسول هم این روزها باد دماغی پیدا کرده اکثر اوقات در تفحص امورات پولتیکی دولت فخمیه انگلیس است. اتصالاً از بندر جز به توسط اگنط کسب اطلاع نموده گاهی اظهار می دارد قشون انگلیس در بندر جز و اطراف بحر خزر حق مداخله ندارند، متعلق به دولت روس است. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

شانزدهم ماه مذکور یکصد سوار ایلغی یک بلوک گوسفند از قریه معصوم آباد دو فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

درباب نزاع

هیجدهم ماه جنواری صد سوار طایفه جعفر بائی غفلتاً بد کرد محل دیورش آورده دو نفر پدر با پسر را به قتل رسانیده و دونفر اسیر گرفته می برند. چند نفر رعیت کرد محله جلو گیری نموده دونفر از ترکمان را به قتل می رسانند و نعل تراکمه [را که] از قضا دو برادر بودند به کرد محله برده تراکمه ناچار دونفر اسیر را مسترد نموده مقتولین خود را بردند. تا چه اقتضا کند.

درباب فوت

حیدرقلی خان مسعود السلطان کلانتر بلوک سدن رستاق که امروزه آدم کاردان فعالی بوده شب بیستم ماه مذکور به مرض سل ۸۲ در قریه کفشگیری فوت شدند. سه پسر از آن مرحوم مانده که همشیره زاده های محمد باقر خان سردار رفیع هزار جریبی می باشند.

درباب معارضه اربابان قریه میان دره

بیست و دویم جنواری جمعی از سادات مفیدی مالکین قریه میان دره واقع است در

سه فرسخی مغربی برای تعدیات آقارمضانعلی و کیلالتجار بایک عده از سادات و یکصد نفر رعیت خارج به قریه مذکور می‌روند. مقداری شلتوک مشارالیه که در انبار بوده غارت می‌نمایند. بین رعایا نزاع می‌شود چهارپنج نفر از هواداران و کیلالتجار را چوب مفصلی زده که مشرف به موت می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

نمر ۳۵

دهم ماه فرواری ۱۹۱۹

درباب میاندره

به عرض رفته بود سادات مفیدی چند نفر اجزاء و کیلالتجار را در قریه میاندره چوب مفصلی زده و چرخ پنبه مشارالیه [را] آتش می‌زنند. سادات مراجعت به شهر [کرده] و کیلالتجار عارض شده، نواب کفیل سادات را احضار کرده بعد از اثبات تقصیر امر کرده محترمانه ایشان را توقیف نمودند. آقا عبدالکریم رئیس طایفه مفیدیها باسی نثر اقوام و عشایر با تفنگ به سمت دیوانخانه [آمده] فحش زیادی نسبت به کفیل حکومت [داده] چند تیر تفنگ شلیک کرده از ترس دونفر سادات را مرخص [کرده] به توسط آقامیرزامهدی اصلاح نمودند.

درباب خرید تفنگ

مدتی است تجار تراکمه تجارت تفنگ می‌نمایند. اتصالاً از بادکوبه تفنگ حمل نموده به شهر و اطراف به مصرف فروش می‌رسانند. یک نفر صاحب منصب ژاندارم فرج‌الله خان نایب برای تفتیش امورات یاور ابوالفتح خان به استرآباد آمده، به قرب یکصد قبضه تفنگ پنج تیره خریداری نموده رفتند. از طرف وزارت جنگ با وزیر مالیه به کفیل حکومت امر شده تفنگ زیادی می‌خرند، هر آینه تا به حال از جانب دولت تفنگ رامی‌خریدند، یک قبضه تفنگ را ده تومان می‌فروختند و حالیه تفنگ پنج تیره قزاق روسی را با صد تیر فشنگ سی و پنج تومان می‌فروشدند و پنج تیره عثمانی را با صد فشنگ چهل و پنج تومان، تفنگ ورندل سابق را بیست و پنج تومان، تفنگ سه تیره سرباز بلند راسی و پنج تومان، فشنگ پنج تیره روسی صد تیر شش تومان و نیم، فشنگ سه تیره صد تیر سی تومان است.

درباب فروش قونسول

دوماه می‌شود بعضی اشیاء نفیسه که دارند به عنوان لاطار به مصرف فروش رسانیده، من جمله یک رشته گلوبند بریلیان ۸۲ و دودانه دست بند طلا دانه نشان و یک عدد مروارید،

بیست تومانی قیمت. ضمناً دو قاب ساعت یکی مردانه و یکی زنانه را در بازار فرستاده بفروشنند.

درباب قتل

غره ماه فرواری نه نفر رعیت کردمحل به عنوان چپاول جنب قریه زنگی محل به بسخو داشته، دو نفر ترکمان از قریه بیرون آمده به صحرا بروند ترکمان را تیرزده کشتند. رعیت زنگی محل به حمایت تراکمه مقتول که مهمان آنها بود [ند] دو نفر رعیت کردمحله را تیرزده و تعاقب کردند، ولی الله نام که بسیار ناترس و شجاع بوده مقتول و دیگری مجروح شده فرار کردند. نعش ولی الله را هم تراکمه به صحرا برده آتش می زنند.

درباب قزاقها

حرکات متهورانه ۸۴ و صدمات قزاقهای بندر جز به اهالی را به عرض رسانیده بود. بعد از آنکه اهالی و تجار بندر داکین را بستند تلگرافاً به وزیر داخله شکایت می نمایند صاحب منصب قزاق امر کرده بدون اجازه از قزاقخانه بیرون نروند. سه نفر قزاق را یک شب حبس می نمایند. شب دیگر این سه نفر قزاق از اداره بیرون آمده عرق زیادی خورده مست در بندر جز تا صبح بدمستی و عربده و فحاشی به کاپیتان و قزاق باشی روسی می نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب چپاول

روز پنجم ماه فرواری چهل نفر سوار جعفربائی خیابان بندر جز که از طرف کوه رفت و آمد می شود بسخو داشته، چهارده بار برنج متعلق به تجار استرآبادی حمل به شهر بوده بامکاریها گرفته بردند.

درباب ورود

منتصر الملك برادر وثوق السلطنه به ریاست محاسبات قشونی وارد [شد]. میرزا موسی خان معزول و عازم طهران می باشند.

درباب رؤسای قزاقخانه

هشتم ماه مذکور کاپیتان روسی با سه نفر صاحب منصب قزاق عازم طهران بوده روسها چون اداره قزاقخانه [را] متعلق به خود می دانند قونسول برای افتخار خود با سه چهار نفر اجزاء تا بیرون شهر مشایعت کردند.

درباب چپاول

نهم ماه فرواری خبر رسید تراکمه جعفربائی دوبلوك گوسفند از قریه بالا جاده

چهار فرسخی مغربی با دو نفر چوپان به چپاول بردند.

نمره ۴۵

۲۶ ماه فرواری ۱۹۱۹

درباب چپاول و قتل ترکمان

شب ۱۲ ماه فرواری شصت نفر سوار ترکمان طایفه جعفربائی و اتابائی در جنوبی شهر برای چپاول گاوهای زیارتی می‌روند. بنه‌گاو روز پیش حرکت به‌جای دیگر نموده، مراجعت صبح زود دونفر آدم بر خورده در مشرقی شهر لخت می‌نمایند. جنب حصار شهر يك بلوك گوسفند را چپاول می‌نمایند. اهالی شهر به اتفاق رعیت زنگی محله و کریم‌آباد خبردار شده جلوگیری سخت از سوار یاغی می‌شود. دوساعت ونیم نزاع می‌نمایند. دونفر از تراکمه مقتول و سه نفر مجروح گردیده سوار ترکمان فرار کردند. رعایای زنگی محله مقتولین [را] ریسمان بسته به شهر آورده، رؤسای بلد به قرب یکصد تومان انعام به آنها داده نعش را عودت به صحرامی دهند. تاجه اقتضا کند.

درباب حریق

ایضاً خبر رسید به سبب گرمای این دوسه روزه که از چله تابستان گرمتر شده بود در نوکنده هشت فرسخی مغربی [که] نیم فرسخ مسافت بادریا است باد خیلی تند می‌وزد. نوکنده آتش گرفت. به فاصله دوساعت ونیم با اینکه خانه‌های نوکنده هریک صد قدم با هم فاصله دارند یکصد و سی‌خانه می‌سوزد. خسارت کلی وارد [شده] دوزن باد و بچه و چند رأس گاو و مال در آتش هلاک شدند و این خانه‌های سوخته کلیه از خوانین بوده تقریباً یکصد و پنجاه هزار تومان از قیمت خانه‌ها و اجناس زندگانی و آنچه دارائی رعیت داشتند سوخت و ابداً قوتی و پوشاکی ندارند.

درباب ورود

چهاردهم ماه مذکور عزت‌الله خان سالار اشرف پسر احتشام السلطنه در شاهرود رئیس قشون بوده حالیه خود را جزء بریگاد قزاقخانه نموده، مترجم کلنل لاوریج فرمانده قزاق است وارد استرآباد گردیده اظهار داشت کلنل مذکور فردا با بالان ۸۵ وارد خواهند شد. و روز اهالی انتظار ورود مشارالیه را داشتند، برای تماشای بالان. لکن معلوم شد با اتومبیل از خط گیلان حرکت کرده‌اند. نوزدهم ماه فرواری وارد بندر جز می‌شوند. ۸۶

۸۵- (=بالون).

۸۶- اینجا دو خبر حریق نوکنده و ورود سالار اشرف با همان عبارات عیناً تکرار شده بود که حذف شد.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید سه نفر رعیت سرخونکلاته نیم فرسخی قریه بسخو داشتند. سه نفر ترکمان جعفربائی عبور می نمایند تیر خالی کرده هر سه نفر رامی زنند. یک نفر متهوران ۸۷ می رود تفنگ ترکمان را بردارد. ترکمان تیر داشته یک نفر رعیت را مقتول نموده رفقاییش تیری به ترکمان زده اسب و تفنگ تراکمه را بانعش رعیت را گرفته آوردند.

درباب چپاول

پاترده نفر ترکمان جعفربائی پیاده به سمت راه بارکلاکه جاده شاهرود است می روند، تجار گیلانی بیست باربرنج برای مشهد حمل کرده بودند که تماماً برنج آکوله بود تماماً را چاییده با مالهای مکاری به صحرا بردند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید مکاری ده بار خشکه باراز استرآباد حمل بندر جز می نمایند. چهار فرسخی مغربی تراکمه جعفربائی بارها را بادونفر مکاری بردند. امروزه کلیه شرق و غرب استرآباد امنیت ندارد. تاجه اقتضا کند.

درباب ورود

روز بیست و یکم ماه فرواری کلنل لاورییج از راه بندر جز به اتفاق هشت نفر قزاق وارد [شد]. مشارالیه اصلاً آلمانی نژادند.

درباب چپاول

ایضاً چهار بار برنج از قریه سرخونکلاته حمل به شاهرود می شود، چهار فرسخی مشرقی ترکمانها بسخو داشته برنج و مالها را بردند.

نمره ۵

۸ ماه مرچ ۱۹۱۹

درباب عقاید ترکمانها

چندی است قضات جعفربائی بین خودشان مذاکراتی دارند، برای خود یک رئیس وامیری برقرار نمایند. بیست و هفتم فرواری قضات مذکور به طوایف یموت از چمور و چاروا به توسط سوار مخصوصی اعلان کرده که رؤسای هر طایفه از ترکمان و از گوکلان و کتیک چای در اول ماه جمادی الثانی که مطابق ۴ ماه مرچ بوده باشد در گنبد قابوس حاضر

گردیده عقایدات خودشان را رأی بدهند. عثمان با ادريس آخوند و ساير قضات جعفر بائی با پير مردان ساير طوايف تماماً حرکت کرده به گنبد قابوس رفتند. لکن سه چهار نفر از عقلاي جعفر بائی که سابقاً مستخدم واگنط روسها بوده عقیده قضات را نپسندیده و نپذیرفته اند. از قرار مذکور عثمان آخوند را به اميری و ساطانی قبول [کرده که] در همان گنبد قابوس حکمفرما بوده باشد. تاچه شود.

درباب خبر

حاج شيخ حسين و كيل استرآباد که به طهران رفته ضمناً با آلمانيها و عثمانیها همدست بوده پول گرافي از آنها گرفته بر علیه دولت انگليس و روس رفتار نمایند. [رو] لوسیون روسها که در طهران برای این اشخاص خطرناک گردیده معزى الیه از راه کرمانشاهان به خاک عثمانی می رود. مدتی در اسلامبول توقف داشته دوماه قبل مراجعت به طهران می نمایند. به سبب خصومت سابقه با تراکمه جعفر بائی ارسال و مرسولی داشته و از آمدن سالارالدوله هم بی اطلاعی نموده است. چند نفر تراکمه جعفر بائی که مشروطه خواه بوده اند بعد از ورود مشارالیه به طهران به توسط وکیل التجار تلگراف تبریک به مشارالیه نموده سیم ماه مرچ وزیر داخله یکصد تومان وجه به توسط حاج شيخ حسين به رسم انعام برای سید محمدخان طایفه گموش تپه حواله به شاهزاده رئیس مالیه و کفیل حکومتی نموده بدهند.

درباب ملاقاسم استرآبادی

بعد از حرکت ژاندارم از استرآباد اشخاصی که خائف بوده هجرت می نمایند. آخوند ملا محمد قاسم آشوب طلب دو سال قبل برای قتل و کالت محرک شده بود و ضمناً باعث قتل ساعد السلطنه مشارالیه بوده حالیه در طهران است خود را داخل فرقه دموکرات [کرده] با عقیده بالشویکها معیت دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

چهارم ماه مرچ میرزا محمد رضا خان آصف الملک پسر حاج معین الدوله برادرزاده مرحوم علاء الدوله به سمت کار گذاری استرآباد وارد در منزل کربلائی نظر خان سالار اشرف گردیده بعد از دو روز دیگر تهیه فروش و لوازمات نموده به کار گذاری می روند. محقق الملک کار گزار معزول عازم به طهران [شد]. لکن آصف الملک تازه داخل وزارت خارجه [شده] و اول مأموریت [او] استرآباد [است].

درباب قزاقها

برای نرسیدن حقوق قزاقهای بار فروش سه نفر بدست شاهرود فرار کرده تلگراف نمودند ایشان را دستگیر کرده آوردند و کلیه میل به نوکری اداره قزاق را ندارند و اکثر عده قزاق [را] به قوه قهریه و جبریه است که نگاه داشته اند.

درباب مازندران و انقلابات

ایضاً خبر رسید بین اسمعیل خان امیر مؤید و سردار جلیل اصلاح نشده یکصد خروار متجاوز شلتوک و محصول ملکی سردار جلیل را امیر مؤید به غارت برده و عموم خوانین و سرکرده‌های مازندران با اسمعیل خان معیت داشته، لکن به سبب نداشتن تمول از عهده مخارج سوار و سرباز نمی‌توانند برآیند. سردار جلیل در مازندران از کثرت تمول یک سال می‌تواند با ایشان جنگ کند و خرج قشون فوق‌العاده می‌نمایند. محمد باقر خان سردار رفیع به حمایت سردار جلیل به اتفاق علیقلی خان مسعودلشکر با عده‌ای پیاده از دهات استرآباد روز ششم ماه مرچ به عنوان اصلاح حرکت به سمت مازندران نمودند. تاچه اقتضا کند.

درباب شبگردی قزاقها

شب هفتم ماه مذکور یک عده قزاقهای شبگرد با دزد تراکمه توی شهر تصادف می‌نمایند. به قرب پاترده تیر طرفین در محله میدان شلیک تفنگ نموده بدون آسیبی تراکمه فرار اختیار کردند.

نمره ۶

۱۹ ماه مرچ ۱۹۱۹

درباب ترقی و تنزل ارزاق

برنج و گندم یک ماه است به سبب واخوردن در شاهرود تنزل دارد. برنج امیری [را] در شاهرود نودمن تبریز یکصدوسی تومان می‌خریدند و حالیه شصت تومان است. گندم سفید شاهرود در شاهرود خرواری نودمن سی و پنج تومان، فقط پوطی بیست و پنج تومان است. روغن به سبب حمل باد کوبه پوطی پاترده تومان می‌باشد. مال ذرعی اگر مال روسی باشد خیلی کم و گران است. مال ذرعی فرنک به سبب خریدن ترکمان برای روسیه پول پیش به تجار استرآبادی داده، عدل جنس را یکسره حمل به گموش تپه می‌نمایند. خصوصاً شکر و قند که در سبزوار و استرآباد از شکر سفید قند درست کرده تراکمه بی نهایت خریده حمل به روسیه می‌نمایند.

درباب خرید تفنگ

دوازدهم ماه مرچ مجدداً وزارت داخله با وزارت جنگ به کفیل حکومت تلگراف نموده صد هزار تومان تفنگ خریداری نمایند.

درباب قزاقها

بعد از قتل ساعدالسلطنه کسان آن مرحوم که در قراء ملک سه فرسخی مشرقی ساکنند

باحاج محمد مهدی که بایشان به شرکت ملك دارد مجادله [کرده] و انبار شالی حاج مزبور را به قرب شش هزار تومان چابیدند. مدتی در عدلیه و حکومت عارض بوده کفیل ایالت دونفر فراش با چهار نفر قزاق به حسین آباد فرستاده یکصد و هفتاد خروار از ملك فغانعلی شالی بگیرند، مشارالیه به مأمورین اظهار داشته عده شماها کم است بروید با عده زیادی بیائید. مأمورین را بیرون کرده، صد نفر ترکمان از طایفه د'ر احضار کرده به حسین آباد آمدند. هر آینه کفیل حکومت اقدامی نماید جلوگیری نمایند.

درباب ورود قزاق به استرآباد

شب ۱۵ ماه مرج دو ساعت از شب گذشته سیصد نفر قزاق وارد گردیدند. نواب کفیل حکومت روز پانزدهم طرف عصری عموم صاحب منصبان اداره قزاقخانه را با دوایر دولتی دیوانخانه دعوت کرده صرف شربت و... ۸۸.

درباب چپاول و قتل

ایضاً هفتاد رأس قاطر مکاری که بنه قزاقها را آورده بودند روانه به سمت بندر جز گردیده کرایه بار نمایند. یوم ۱۶ مکاری حرکت کرده دوازده نفر ترکمان قرنچیک در يك فرسخی مغربی بسخو داشته شلیک تفنگ برای مکاریها می نمایند. يك نفر مکاری فوت، يك نفر مجروح، قاطرها را با مکاریها بردند. رعیت قلندر محله از تراکمه جلوگیری سخت می نمایند. يك نفر تراکمه مقتول و دونفر مجروح، سیزده رأس قاطر با چند نفر مکاری نجات یافته، باقی را به غارت بردند.

درباب سرقت

شب ۱۶ تراکمه اتابائی توی شهر کاروانسرای بزرگ را خراب کرده نه رأس الاغ مکاری، يك رأس اسب سواری را سرقت کرده بردند. مکاری هفتاد تومان پول داده الاغهای خود را خریده آوردند.

درباب سرقت

شب هیجدهم تراکمه مذکور توی شهر محله میخچه گران داخل يك خانه گردیده زنی را از پهلوی شوهرش بغل کرده بردند. مشارالیه فریاد کرده همسایگان با خبر شده شوهر آن زن را چند زخم کارد به سرش زده اند که مشرف به موت است. از آنجا در محله حاج لر رفته يك رأس مال زیارتی که میهمان بوده به سرقت بردند.

درباب قتل

روز هیجدهم چند نفر ترکمان اتابائی يك فرسخی مشرقی بسخو داشته رعیت

نصر آبادی با ترکمان تصادف می نمایند. طرفین تیر خالی کرده یک نفر رعیت با یک نفر ترکمان مقتول [شده] و نعل ترکمان را به شهر آورده کفیل حکومت انعام می دهد.

درباب حکومت

چندی است حرکت نواب والا معتمدالدوله تأخیر افتاده برای فوت عیال و مریض داشتن، اینک سه روز است حرکت نموده اند.

نمره ۷

۲۶ ماه مرج ۱۹۱۹

درباب چپاول

سی و یک نفر ترکمان جعفر بائی و اتابائی بین رودخانه شاهکوه و چمن ساور بسخو می نمایند که عبور مکاری از شاهرود به سمت بندرجز می شود. یک قافله بزرگی پنججاه رأس قاطر و مال تماماً بارداشته از قبیل قندوشکر و قماش و خشکه بار، بادام و دوازده و نیم [....] تریاک متعلق به یک نفر رعیت میامی و یک نفر گماشته امیراعظم همراه بوده ترکمانها شلیک تفنگ می نمایند. حامل تریاک و گماشته امیراعظم را به قتل رسانیده تمام بارها را با قاطرها و غیره چپاول کرده به سمت رادکان می آیند. سی رأس گوسفند شاهکوهی را روی بارها گذارده از راه گدوک صندوق که پشت قریه صیدمیران است مراجعت کرده مکاریها را نزدیکی صحرا رها می نمایند. از قرار مذکور غلام پستخانه خط بندرجز هم همراه بوده و تریاکی هم داشته به انضمام پانصد تومان وجه نقد که در جوف بارها بوده دست خوش تراکمه شده نغری پاترده تومان و پنج هزار وجه را تقسیم [کرده] و ابداً رؤسای استرآباد با خوانین از این امر متالم نشده چون مقصود ایشان همراهی و مساعدت از تراکمه اشرار است و علناً آنها را محرك هستند.

درباب مأموریت قزاقها

به عرض رفته بود ملک فغانعلی مأمورین حکومتی را بیرون کرده است. بیستم ماه مرج پاترده نفر قزاق به امر کفیل مأمور شده ملک فغانعلی را مغلولاً به شهر بیاورند. سیصد نفر پیاده تفنگی از طرف ملک فغانعلی جلو راه را مسدود نموده بودند. [به] ورود قزاقها به رودخانه میرمحل شلیک تفنگ گردیده، قزاقها به سمت جنگل فرار کرده، سه نفر مراجعت به شهر نموده راپرت می دهند کفیل حکومتی با کلنل لاوربیچ مذاکره برای شرارت ملک فغانعلی و دستگیری او می نمایند. مجدداً روز بیست و یکم یکصد و پنججاه نفر قزاق و دو صاحب منصب با یک عراده توپ به سمت حسین آباد می روند. رعایای ملک راه عبور را به قزاقها مسدود [کرده] از ترس خود را به قریه مرزبانکلاته انداخته سنگر

نمودند. يك شب و يك روز از ترس بیرون قریه نرفته بودند. گماشته سالار اشرف را کفیل حکومت برای اصلاح به حسین آباد فرستاده با ملك فغانعلی قرار دادند يك نفر و کیل معین نموده در عدلیه با وکیل حاج محمد مهدی مذاکره و طی گفتگو نمایند. يك رأس اسب و یکصد تومان ملك فغانعلی به سالار اشرف قزاق تعارف داده، قزاقها مراجعت به شهر [کرده] ملك فغانعلی هم استقبال معتمدالدوله به شاهرود رفتند.

درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید یکصد و پنجاه سوار طایفه ایلیغی يك فرسخ زیر حد قریه سرخونکلاته اردو زده اند و خیال شرارت و چپاول و تقاص خون محمدخان را می نمایند. حیدر قلی خان پسر حاج رحیم خان جداً در مقام جلوگیری برآمده تفنگ زیادی به رعیت داده شب و روز قراول گذارده، لکن قتل محمدخان ایلیغی باعث خسارت و زحمت رعایا گردیده که نمی توانند امساله را کشت و زرع نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

روزیست و چهارم ماه مرچ هشتاد سوار جعفر بائی به سرداری پسر حاج محمدخان... ۸۹ که سپهدار اوایل مشروطه خواهی او را در استرآباد خفه کرده بود سیصد رأس گاو قریه اجابن را يك فرسخی مغربی چپاول و يك نفر رعیت مقتول [کرده]، دو نفر هم تیر گرفته و دو نفر را هم بردند. رعایای قریه اجابن به اجازه شیخ نصرالله پسر حاج شیخ حسین که وکیل متولی قریه مذکور است در شهر چهارده نفر ترکمان جعفر بائی را باهیجده رأس مال گرو کرده به اجابن بردند. تراکمه جعفر بائی ناچاراً* برای استرداد اسرای خود گاوها را مسترد کرده به قرب پنجاه رأس گاوها را مسترد نمودند.

درباب حکومت

ایضاً روز مذکور نواب والا معتمدالدوله حاکم استرآباد از سمنان به کفیل تلگراف کرده سالار اشرف را به شاهرود بفرستید. روز بیست و پنجم سالار اشرف حسب الامر معتمدالدوله حکمران به شاهرود رفتند.

درباب مازندران

سردار جلیل از ساری به شاهزاده رئیس مالیه تلگراف نموده است یکصد قبضه تفنگ پنج تیره، یکصد هزار تیر فشنگ خریداری کرده به مازندران روانه نمایند.

نمره ۸

۳ ماه اپریل ۱۹۱۹

درباب چپاول

بیست و هفتم ماه مرچ خبر رسید دو بیست سوار طایفه داز و قرقچی به قریه حسین آباد ملک سه فرسخی مشرقی چپاول می‌روند. سه بلوک گاو قریه چپاول کرده، اهالی قریه به کمک همجوار خود جلوگیری و تراغ سختی کرده، دو بلوک گاوها را از تراکمه پس گرفته دو رأس اسب الجه نموده يك بلوک گاو را بردند.

درباب مارندران

ایضاً دربب تراغ اسمعیل خان امیر مؤید و لطفعلی خان سردار جلیل به عرض رسانیده بودم طرفین تهیه سوار و سرباز کرده باهم جنگ دارند. موضوع تراغ برای چپاول شلتوک سردار جلیل است از قراری که مذکور است مقدار دوهزار خروار شلتوک را اسمعیل خان چپاول کرده این جنگ در شهرساری منعقد شده بود. دولت تلگرافی به امیر مؤید نموده برای رسیدگی کارهای شما يك نفر نماینده فرستادم تراغ نکنید. مشارالیه حسب الامر دولت با سوار خود حرکت به سمت علی آباد چهار فرسخی ساری می‌نمایند. سردار جلیل به توسط محمدباقر خان سردار رفیع ایلجاری از کرد محله و نودیجه و هزار جریب به ساری برده بودند. سوار را یومیه يك تومان، پیاده را پنج هزار جیره داده با عدّه [ای] از سوار پیاده تفنگچی حرکت به سمت علی آباد نموده شب و روز سوارهای سوادکوهی شبیخون به اردوی سردار جلیل زده از قرار مذکور هفت نفر از پیاده ایلجاری رعایای سردار رفیع را به قتل می‌رسانند.

درباب سرقت

شب بیست و نهم ماه مذکور دو دسته ترکمان اتابائی توی شهر در محله بنی کریمی يك باب خانه را شکافته، هشتاد تومان وجه نقد به قرب دو بیست تومان اثاث البیت از قبیل قالی و لباس و غیره به انضمام سی رأس گاو از توی محله میدان چپاول کرده بردند.

درباب قزاقها

سلخ ماه مذکور به موجب قدغن اداره قزاقخانه اهالی شهر تیر خالی نکنند منزل حاج محمدتقی ملاک تیری خالی گردیده قزاقها توی خانه رفته تفنگ را از گماشته حاجی می‌گیرند. يك ساعت بعد کسان حاج محمدتقی يك نفر قزاق را دستگیر [کرده] چوب مفصلی می‌زنند. خبر به اداره رسیده، کلنل لاورینچ فرمانده قزاقها امر کرده تمام قزاق با اسلحه اطراف خانه حاج محمدتقی را چاتمه بگذارند. دو سه نفر آدم بی تقصیر رهگذر را به اداره برده تجار به اتفاق سالار اشرف مترجم به منزل آقاشیخ محمدباقر رفته

بین ایشان را اصلاح نمودند.

درباب سرقت

شب غره ماه اپریل سه‌دسته دزد ترکمان توی شهر آمده، یک دسته از قزاقخانه سه رأس اسب سرقت کرده، یک دسته منزل میرزا داودخان گرجی دو رأس مال و گاو به سرقت برده، یک دسته منزل امیریار مسیحی را شکافته، خبردار شده مقارن اذان صبح جنب دروازه دو رأس ورزای رعیت سرقت کرده بردند.

درباب حکومت

نواب‌والا معتمدالدوله برای ورود به‌شاه‌رود تلگرافاً بیست‌نفر قزاق احضار می‌نمایند. روز دویم به‌شاهزاده سلطان‌حسین‌میرزا کفیل، حرکت خود را تلگراف کرده. روز پنجم ماه اپریل در خیرات دوفرسخی مشرقی وارد [شده] بعد از صرف ناهار عصری وارد به‌شهر می‌شوم.

درباب سرقت

شب سیم ماه مذکور دزد ولایتی یک درب دکان در بازار نعلبندان شکافته به‌قرب یکصد تومان اجناس را بردند.

نمره ۹

۱۷ ماه اپریل ۱۹۱۹

درباب ورود حکومت

نواب‌والا معتمدالدوله روز پنجم اپریل دوفرسخی مشرقی در خیرات وارد [شده] تمام خوانین و رؤسای ادارات استقبال رفته. سه ساعت به‌غروب به‌احترام فوق‌العاده وارد به‌شهر گردیدند.

درباب تقدیمی

میرزا مهدی خان ایلخانی فندرسکی روز ششم ماه مذکور با یکصد نفر سوار رامیانی وارد، خدمت حکمران رفته اظهار چاکری می‌نمایند. روز هفتم سه رأس اسب ممتاز ایلخانی تقدیم به‌حکمران می‌کند. آقاخان امیرامجد یک رأس اسب می‌فرستد. کلاتر طایفه ملک عباس‌خان هم یک رأس اسب تقدیم می‌نماید.

درباب مجازات

دو نفر سارق مدتها در نظمیة حبس بوده بعد از اقرار به سرقت خودشان حسب‌الامر

دستهای ایشان را قطع نمودند.

درباب قتل

نهم ماه اپریل در قریه چوپلانی سه فرسخی مشرقی رعایا عروسی داشتند. جمعی جهال از دهات اطراف دعوت داشته، بعد از صرف شام تراعی می‌نمایند. رعیت تقی‌آبادی يك نفر جوان چوپلانی را باچوب به سرش زده فوت شد. مادر مقتول خدمت شاهزاده حکمران عارض شده، حسب الامر پنج نفر قزاق به قریه مذکور رفته تحقیقات نموده قاتل را دستگیر به شهر آورده که مجازات نمایند. تاجه شود.

درباب اخطار حکومت

نواب والا بعد از ورود استرآباد برای ناامنی و رفت و آمد تراکمه به شهر حکم سختی به کدخدایان بلوک نوشته احدی معترض ترکمانها نشوند. به توسط سالار اشرف خوانین تراکمه را احضار به شهر نموده يك عده از طایفه اتابائی روز دوازدهم به شهر آمده خدمت نواب والا می‌روند. بایشان مهربانی زیادی کرده هر يك را خلعت داده قدغن سخت برای استرداد گوسفند و کالت نموده رفتند. ضمناً اسب قزاقهارا که به سرقت برده بودند سارقین دو بیست تومان وجه خواسته بودند. سالار اشرف مجدداً آدم فرستاده سارقین خودشان اسبهای قزاق را خدمت حکمران بیاورند، اطاعت امر نموده قاری عشور ملاپسر... ۹۰ بردی و پسر سالارخان بادونفر دیگر خدمت شاهزاده آمده اسبهارا تقدیم کرده، نواب والا اظهار ملاطفت و مهربانی به عموم آنها فرموده مبلغ پنجاه تومان وجه نقد و هشت طاقه شال خلعت به سارقین داده به توسط خاتم‌الله خان سرهنگ و بيك نظرخان پسر موسی خان رئیس طایفه قرچی که یاغی بوده بیست و چهار سوار ماهی دوازده تومان حقوق قرار داده رفتند. بعد از تهیه سوار مراجعت به شهر کرده به عنوان سوار پارکابی خدمت شاهزاده حکمران مستخدم بوده باشند.

درباب اتحاد قاجار

در طهران سلسله قاجار به ریاست حاج معین الدوله با سلطان احمدشاه اتحاد نموده‌اند در هر نقطه و بلادی که هستند با خود معیت بدارند. تلگرافی برای سالار اشرف تبریک شده و ایشان هم به رئیس قاجار تبریک عرضه نمودند.

درباب فرقه دموکرات

آقارمضانعلی وکیل‌التجار به اتفاق حاج محمد رحیم و آقاعلی‌خان برای تعویق ۹۱ عقاید خود به حکومت معتمد الدوله باطناً رضایت ندارند، برای اینکه نواب والا همه

نوع اجزاء مخصوص باخود آورده. شهاب دیوان رئیس نظمیه، ثقه السلطنه نایب الحکومه، فهیم السلطنه دکتر و صندوقدار است، ساعد نظام دفتردار و تحویلدار است، حسن خان فراشبازی است. به این علت مشغول خرابی امورات ایالتی می باشند. تازمانی که به یک وسیله حکومت را جذب قلوب نمایند، مدتی کمیته دموکرات استرآباد منحل بوده دوشب است همین حضرات محرمانه جلسه دارند. سید محمود با برادرش به طهران رفته بودند شب پانزدهم اپریل وارد [شده] به دستور العمل وکیل التجار به عنوان قتل مرحوم ساعد السلطنه ایالت ایشان را گرفته حبس کردند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۵

پنجم ماه می ۱۹۱۹

درباب قرآوران

شاهزاده حکمران به تصویب سالار اشرف سی نفر قرآوران برای حفظ خط راه شاهرود از شهر الی چهار فرسخ که اول گدوک قزلق است مرتب نموده به ریاست ابوالقاسم خان قاجار ماهی سی تومان و مابقی را ماهی ده تومان جمعاً ماهانه سیصدوسی تومان در شش نقطه قرآول باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

نواب معتمدالدوله شخصاً فامیلی و نجیب می باشند. به تصویب سالار اشرف تاکنون دوهزار تومان به تراکمه یموت که به شهر آمده شال و پول خلعت داده رفتند. در ضمن تصور می شود این شخص نجیب را دولت به استرآباد فرستاده لابداً برای نظم ورفاه اهل بلد خواهد بود. اولاً تجار که به کارهای دولتی دست اندازی کرده نمی گذارند حکومت به خیال خود بوده باشد، مجبور است باخیالات ایشان مساعدت نماید. چون با ایشان مساعدت کرده قهراً کار خراب خواهد شد و سایر مردم رنجش می نمایند و حالیه در شهر سه فرقه می باشند. یک فرقه سالار اشرف است. عقیده خارجی برای پیشرفت امورات شخصی دارند. یک فرقه دوایر دولتی هستند که حسب الامر حکمران شبهای جمعه را دیوانخانه دعوت دارند، از اول شب مشورت برای حفظ حدود و اهالی استرآباد نموده نتیجه داده نمی شود. فرقه یگر اشخاصی هستند که رنجبر دولت هستند و راست هم می گویند. من جمله ایرادی که دارند این است دولت چهارصد نفر قزاق را به استرآباد فرستاده برای نظم توی شهر که حاکم فعال قزاق لازم ندارد. سی نفر از آن بایک نفر رئیس نظمیه کفایت می کند و ماهی پنج هزار تومان حقوق این قزاقهارا که دولت قرض می کند مخارج بیهوده و زیادی است. قزاق که از شهر بیرون نرود و باعث اذیت مردم شهری باشند ممکن است همین پنج هزار تومان را کمتر به سوار و سرباز بنیچه استرآبادی بدهند. توجهات لازمه سرحدی

استرآباد را نموده و همه نوع جلوگیری از تراکمه یاغی هم بنمایند که مردم آسایش داشته باشند. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل چویلانی

بعد از مشورت قتل و دستگیر شدن قاتل جمعی از اهالی بلد به حکومت اظهار کردند خون بست شود. حسب الامر ایالت منزل حاج سید... * مجتهد جمعی از آقایان حاضر شده باورته مقتول اصلاح نمودند و سیصد و پنجاه تومان به ورته مقتول بدهند. یکصد و پنجاه تومان حقوق حکومتی و صیغه شرعی را جاری [کرد] و ختم عمل شد.

درباب ورود

۲۶ ماه اپریل میرز امهدی خان فندرسکی اوایل ورود حضرت والا به شهر آمده است برای خدمتگزاری به ایالت جلیله. میر حسین خان پسر مشارالیه دو بیست سوار از گوکلان و قجق و قان یخمز همراه خود به شهر آورده اظهار نوکری به حکمران نموده باشند. هر یک از تراکمه را شالی خلعت داده مرحمت فوق العاده کرد رفتند.

درباب بندر جز

بیست و هفتم ماه اپریل خبر رسید میان آباد ملک سه فرسخی مشرقی نصرت الله خان پسر مرحوم ساعد السلطنه یک نفر جوانی [را] عمداً تیر زده مقتول شد.

درباب چپاول

طایفه ایلغی بی نهایت یاغی می باشند. شب بیست و هشتم ماه اپریل به ملاحظه بی اعتنائی حکومت یازده نفر سوار به صحرای خیرات می روند. دورأس قاطر و سه رأس الاغ، چای و قند و آب نبات حمل داشته چاپیده به صحرا بردند. نواب والا از این واقعه خیلی متغیر گردیده، اراز قربان جعفر بائی را با خاتم الله خان قرقچی و بیک نظر خان به طایفه ایلغی فرستاده اشیاء مسروقه را مسترد بدارند. ترکمانهای ایلغی جواب داده چون شاهزاده به طایفه ایلغی بی اعتنائی کرده لا بداً ما هم این اموال و مال التجاره [را] آوریم که حکومت از ما خبری بگیرند، لهذا این اموال غارت شده رامیل داریم به حیدرقلی خان که داروغه ما باشد بدهیم و تماماً شب و روز خدمتگزاریم. لکن در باطن عقیده تراکمه ایلغی در مقام تقاص محمدخان ایلغی است به یک وسیله تلافی نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب سلخ ماه اپریل دزد طایفه داز به قرب چهارفرد «ورزا» از قریه میرمحله سه فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

* اسم خوانده نمی شود. (و در صفحه ۶۵۵).

درباب خبر

دوهفته است در روزنامه‌ها می‌نویسند داخله مملکت انگلستان مانند روسیه بلوا شده است. به این علت دولت فحیمه قشون خود را از خاک روسیه و سرحدات [به] بحر خزر اعزام می‌نمایند و ضمناً چند نفری از تجار و خوانین از این خبر بلوا خوشحالی و اظهار بشاشت و خرمی می‌نمایند، خصوصاً صاحب‌منصبهای قزاقخانه. در صورتیکه دولت انگلیس این همه مساعدت بادولت ایران می‌نمایند اینگونه حرفهای معترضه و غرض‌آمیز را در مجالس عنوان کرده و ابداً خجالت نمی‌کشند و علناً خود را حامی دولت آلمان می‌دانند. اتصالاً از آنها توصیف می‌نمایند و ایضاً منتشر است در صحرای یموت و از قول تجار تراکمه پانزده هزار قشون عثمانی در بادکوبه خواهند آمد. تا چه اقتضا کند.

درباب اعانه

از طرف حکومت به دوایر دولتی و سرکرده‌ها رقعہ رسمی نوشته شد و در سیم ماه شعبان مطابق ۴ ماه می در عمارت مرحوم آقامحمدخانی که تازه تعمیر شده است حاضر شده عده‌ای از تجار راهم دعوت کرده بودند. تلگراف وزیر داخله را قرائت کردند که وجه اعانه برای فقارت* و پریشانی اهالی ارومیه بدهند.

نمره ۱۱

۱۹ ماه می ۱۹۱۹

درباب خالصه

لیوان هشتیکه ازدهات معظم‌اتران است که خریداری مرحوم سپهسالار بوده چند سال در تصرف سپهدار و اداره مالیه استرآباد تصرف داشتند. هفتم ماه می سیف‌الملک برادر امیراعظم تلگرافی به سالار اشرف می‌نماید: لیوان هشتیکه را دولت مسترد نموده و شما از طرف من تصرف نمائید.

درباب تراکمه

به عرض رسانیده بود عثمان آخوند در گنبد قابوس بایک عده سواری توقف نموده و خیال سلطنت و فرمانفرمایی یموت را داشته، دکاکین چندی که تراکمه گموش‌تپه در آنجا دارند مشغول کسب و تجارت بوده از مال‌التجاره آنجا و مواشی و غیره گمرا می‌گیرند. مشهد آخوند و... ۹۲ عثمان آخوند بوده از عقیده خود برگشته با چند نفر پیران طایفه قان یخمز به شهر آمده خدمت نواب معتمدالدوله اظهار خدمتگراری کرده خلعت به آنها داده رفتند.

درباب قتل

دهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه قجق درخاک فندرسک سه نفر شاهرودی را دستگیر [کرده] پنج رأس مادیان، دو رأس الاغ خریده بودند از آنها گرفته يك نفر را هم به قتل رسانیده و دو نفر دیگر را رها کرده رفتند. تاجه شود.

درباب اداره تحدید

حاج کریم خان ترك کفیل اداره تحدید است. چند روز قبل توسط حاج رضانامی ده من تریاک قاچاق بدقریه آهنگر محله وارد [شده] به چند نفر می فروشد. اداره تحدید مخبر شده حاج رضانامی و حاج اسمعیل بقال استرابادی را توقیف [و] هفتصد تومان از آنها جریمه کرده و پانصد تومان متفرقه از دهات و دست فروشها گرفته. بی اندازه برای سوخته و تریاک از مردم جریمه می گیرند.

درباب شجاع نظام

خوانین سواد کوه و اهمه کرده برای مغلوب شدن آقا کوچک خان جنگلی. برادرزاده امیر مؤید پسر مرادخان باده نفر سوار مسلح بندر جز آمده در قزاقخانه مستخدم بشوند. پولکتیک او را پذیرفته به استراباد آمدند. وارد کاروانسرا گردیده با کلنل لاورینچ مشغول مذاکره می باشند که خود را جزو بریگاد قزاقخانه محسوب نمایند.

درباب بندر جز

قزاقها در بندر جز يك کاروانسرا متعلق به حاج یعقوب جزی [را] برای سکونت تصرف کرده و سیصد تومان گاه در آنجا بوده مصارف اسبهای قزاق می نمایند. حاج یعقوب تلگرافاً به طهران شکایت کرده امر شد لواء الدوله رئیس قشون برای رسیدگی این امر بندر جز بروند. بعد از تحقیقات و مذاکره برای وجه اجاره با پولکتیک روسی جواب دادند شصت تومان زیاده نمی دهیم. رئیس قشون مراجعت به شهر [کرده] حقانیت حاج یعقوب را از بابت وجه اجاره کاروانسرا و قیمت گاه تلگرافاً به وزیر جنگ راپرت می دهند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۲۵

۲۹ ماه می ۱۹۱۹

درباب روسها

قونسول روس انتشار می دهد همینطور که درخاک روس بلشویک و منشویک شده اند دولت آلمان چهار ماه قبل جاسوسی به هندوستان فرستاده مردم را محرك نموده اند و حالیه

هم اهالی هندوستان بلوای سخت کرده عماقرب دولت انگلیس هم مثل سایرین گرفتار خواهد شد.

درباب اسلحه

تراکمه تفنگهای مسروقه را که به عنوان تجارت حمل کرده اند چند عراده «مترایوز» ودویست و پنجاه تیر هم آورده بودند. نواب والا معتمدالدوله امر کرد دو عراده توپ، دویست و پنجاه تیر را به توسط حاج زکریا به شهر آورده هزار تومان ابتیاع می نمایند. وجه مزبور را از دولت خواسته اند که حواله داده توپها را ببرند.

درباب عثمان آخوند

به عرض رسانیده مشارالیه در گنبد قابوس با عده ای سوار خود را سلطان ترکستان محسوب کرده مشغول گرفتن گمرک و بعضی دست اندازیها بوده. به او خبر می دهند که قشون دولت انگلیس در بجنورد وارد شده و خیال آمدن به گنبد قابوس دارند. بیست و دویم ماه می خبر رسید شبانه فرار کرده به گموش تپه آمدند و عمارتی را که روسها بنا کرده بودند - دوازده، بیست و چهار اطاق هشت ترك تماماً با تخته های نرات ۹۲ نجاری شده همراه خراب کرده، درهای آغشقه ۹۲ را حمل به گموش تپه نمودند. فقط يك عمارت مختصری که متعلق است به کمیسیون ایران باقی گذارده اند. تاجه شود.

درباب اسلحه

تفنگهای یازده تیره انگلیس را تراکمه زیاد حمل کرده اند. اوایل قیمت آنها یکصد و بیست تومان بوده، حال هشتاد و پنج تومان می فروشند. فشنگ آن صدی سه تومان خرید و فروش می شود.

درباب بجنورد

بیست و چهارم ماه مذکور منتشر است چون سردار معزز حکمران بجنورد اعتنائی به حکومت قوام السلطنه نداشته هزار سوار از مشهد مأمور گرفتن سردار معزز گردیده سه روز معزی الیه با سوارها جنگ نموده قوام السلطنه به توسط جنرال قونسلاخانه انگلیس مشارالیه را مغلوب ساخته فراراً به گوکلان رفته اند. تاجه شود.

دربا ب خبر

ایضاً در طوایف یموت شهرت داشت لاورف کمیسر روس با هشتصد سوار بلشویک به گنبد قابوس خواهد آمد. جمعی می گویند در اترك وارد شده. صبح بیست و ششم ماه می مرکن ارشین که یکی از تراکمه چاروا تبعه روس است دو سال قبل باروسها در گرگان

تضاع سخت کرده به اتفاق بیست و پنج نفر ترکمان خدمت نواب والا معتمدالدوله آمده اظهار خدمتگزاری [می‌کند] و خبر ورود کمیسر را در چهار فرسخی گنبد به عرض شاهزاده رسانیده و اجازه خواست چه نوع با روسها رفتار نمایند. معتمدالدوله غدغن سخت به ایشان نموده فوراً جلوگیری و لاورف را دستگیر کرده بیاورید. در ضمن به مهدی شاه ایلخانی امر شد بعد از ختم جشن سلطانی با عده‌ای قزاق جلوگیری نمایند.

درباب جشن

حسبالامر ایالت برای جشن اعلیحضرت همایونی احمد شاه شب ۲۸ ماه می در بازار چراغ‌بانی ۹۵ و [در] ادارات دولتی که توی شهر بوده ضیافت و آئین‌بندی نموده که عبارت از پستخانه، نظمی، عدلیه بوده باشد. لکن شب ۲۹ دیوانخانه چراغ‌بانی مفصل و آیین قشنگی بسته که اسامی آنها حکومت استرآباد و ریاست مالیه و ریاست تلگرافخانه و ریاست قشون بوده باشد. خصوصاً در باغ عباس‌خانی قزاقها جشن باشکوهی و آیین‌بندی مفصلی نموده بودند که از همه ادارات برتری داشته است.

درباب خسارت تجار

یک ماه قبل چند نفر تجار گوش‌تپه در شهر چهل‌هزار تومانی به شراکت حاج محمد رضا و غیره مال‌التجاره به روسیه حمل می‌نمایند. از قرار مذکور این بیست و چهار نفر ترکمان با گرجیها و اموال نابود شده معلوم نیست حیات دارند یا گرفتار بالشویکها شده به قتل رسیده‌اند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۳

پنجم ماه جون ۱۹۱۹

درباب قتل میرزا جواد

به عرض رسانیده به تحریک ملا محمد قاسم استرآبادی که حالیه در طهران [در] مدرسه خان مروی توقف [کرده] با فرقه دموکراتها هم‌مسلك است میرزا جواد را در بندر جز به قتل رسانیده و عیال آن مرحوم به سفارت دولت فخمیه متظلم شده بودند، حسب الامر نواب والا معتمدالدوله، منتصر الملک رئیس محاسبات قشونی استرآباد سلخ ماه می با دو نفر قزاق مأمور گردیده بندر جز می‌روند. احمد علی خان اترانی را با مشهدی قنبر و یک نفر کفاش مغلولا فرستاده در حبس حکومت هستند. دو نفر پسران حاج رستم یوزباشی سهراب و علی اکبر فراراً به شهر آمده یکی در پستخانه و دیگری در تلگرافخانه

درباب جنگلیها

دو نفر آدمهای میرزا کوچک خان غره ماه جون به استرآباد آمده، شهاب دیوان رئیس نظمیه توی بازار آدمهارا شناخته، دستگیر کرده. براونیک [و] موزر که داشتند ضبط^{۹۶} و [آنها را] حبس نمودند.

درباب گموسر

نواب والا معتمدالدوله از حین ورود تاکنون دوهزار تومان خلعت و انعام سالار اشرف به تراکمه داده است. برای وصول این وجه از دولت خبر ورود لاورف را با هشتصد سوار چهارفرسخی گنبد قابوس منتشر نمودند. نواب والا حضوراً به مهدی خان فندرسکی امر کرده بود جلوگیری از مشارالیه نمایند. لکن از قرار گفته ترکمانها، لاورف درخیوق بایک عده بالشویک هستند و مشغول گرفتن سوار ترکمان بوده، بعد از تهیه سوار به گنبد قابوس خواهند آمد که توجه از املاک تصرفی خود نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

سیم ماه مذکور یک نفر میقانی عازم شهر بوده جنب قریه مرزبانکلاته دو فرسخی مشرقی سه نفر تراکمه داز اورا لخت کرده مال و اسباب اورا می برند. چند نفر رامیانی رسیده تراکمه مصادف تراغ می نمایند. یک اسب ترکمان تیرافتاده فرار کردند.

درباب حکومت

نواب والا معتمدالدوله تصور کرد... ۹۷... به واسطه خلعت دادن به ترکمانها منجر گردیده هر یک از تراکمه عریانی خدمت ایشان برود یک طاقه شال پنج تومانی توقع می نماید. ثانیاً فرقه دموکرات تجار یک عقیده مخصوصی بر علیه دیگران دارند. نمی گذارند نواب والا به خیال خود حکومت نمایند. مجبور است به صوابدید ایشان رفتار نموده، ناچار خوانین و رؤسای ادارات می رنجند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

پنجم ماه مذکور یک فرسخی مشرقی رعیت سرخونکلاته دو نفر ترکمان را لخت کرده مال با بارآرد و غیره که داشتند می برند. پیرمردان اتابائی خدمت شاهزاده آمده

۹۶- اصل: ظبت.

۹۷- در این قسمت به اندازه سه چهار کلمه سفید است.

عارض شدند هرآینه مالهای ما را مسترد نکنند ما هم گرو خواهیم کرد.

نمره ۱۴

۱۹ ماه جون ۱۹۱۹

درباب سرقت

هفتم ماه جون دونفر استرآبادی دوفرسخی مغربی قهوه‌خانه روشن آباد توقف داشته، پنج نفر ترکمان جعفربائی دزدی رفته بودند مراجعت دو رأس مال ایشان را گرفته رفتند خدمت حکومت عارض شده دو مرتبه به خوانین جعفربائی حکمی نوشته مالها را مسترد نمایند. سارقین نداده هشتاد تومان پول حق الزحمه سرقتی را می‌خواهند.

درباب مقصر دامغانی

کلنل فتحعلی خان رئیس یک عده ژاندارم مستحفظ خط شاهرود - سمنان یک نفر از وکلای دامغان را تبعید کرده بد استرآباد می‌فرستد. مدعی العموم دامغان کاغذی به معتمدالدوله نوشته کلنل فتحعلی خان بدون تقصیر و کیل را به استرآباد فرستاده مرخص نمایند. نواب والا تلگرافاً از طهران کسب تکلیف نموده است. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

هشتم ماه جون چند نفر مکاری جزئی نطف حمل به شهر کرده، وسط راه تراکمه جعفربائی مال و بارهای مکاری را چپاول کرده بردند.

درباب اظهارات حکومت

برای حفظ و حراست سرحدی معتمدالدوله حکمران همه روزه در مجالس اظهارات پولتیکی به تراکمه می‌نمایند که امنیت ایران هفت ساله واگذار به دولت انگلیس گردیده و من هر وقت قشون برای استرآباد بخوایم فوراً از خراسان گسیل خواهند داشت. لکن میل ندارم بر تراکمه صدمه وارد شود. به همین حرفها تاکنون جزئی امنیت حاصل است. تراکمه هم از مقاصد پولتیکی نواب والا مخبر شده چند روز دیگر از برداشتن غلات که آسوده شدند لابتاً بنای تاخت و تاز را خواهند گرفت. تاچه شود.

درباب قزاقها

عده قزاق که در بندر مأمورند شش ماه است کاروانسرای حاج یعقوب جزئی را تصرف کرده دیناری اجاره ندادند. صاحب ملک به وزیر جنگ عارض شده به لواءالدوله رئیس قشون تلگرافاً امر شد بندر جز رفته رسیدگی نمایند. از بابت مال الاجاره و قیمت

پنج هزار دسته گاه هزار و ششصد تومان قرار شد اداره قزاقخانه بدهند. این حکم را وزیر جنگ به توسط رئیس قشون صادر کرده وجه مزبور را به حاج یعقوب رئیس مالیه عاید دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

دوازدهم ماه جون خبر رسید تراکمه جعفر بائی چهار رأس مال از قریه کردمحله چهار فرسخی مغربی سرقت کرده بردند.

درباب مرض

از تاریخ غره حمل الی کنون سه ماه است مرض حصبه و محرقه ۹۸ در استراباد و اطراف فوق العاده شدت دارد. بدان اندازه مرض «کلرانی» اهالی استراباد ازین مرض تلف شده و هنوز هم آثار مرض باقی [است] و شدت دارد.

درباب مسافرت

شانزدهم ماه جون معتمدالدوله حکمران برای کسالت مزاج و گرفتن روزه ده روز به سمت بندر جز مسافرت می نمایند. همراهان نواب والا بیست نفر قزاق با چند نفر اجزاء شخصی و دو نفر صاحب منصب و شش نفر سوار ترکمان شب را به کردمحله توقف [کرده] چون قریه مذکور را میرزا علی اکبر خان مترجم سابق قونسول روس اجاره داده برای رفع انقلاب آنجا حکمران را اغوا به گرفتن حاج نصرالله برادر حاج سید... * مجتهد نموده، مشارالیه را چوب مفصلی زده روی الاغ سوار کرده همراه خود بندر جز برده دو هزار تومان جریمه می خواهند. تاچه شود.

درباب قاتل میرزا جواد

به عرض رفته بود منتصرالملک رئیس محاسبات حسب الامر ایالت برای گرفتن قاتلین اعتمادالتجار بندر جز رفته چند نفر را مغلولاً به شهر می فرستند. دو نفر را استنطاق کرده در حبس نگاه داشتند. پسر حاج رستم اوایل در تلگرافخانه پناهنده شده، با حکومت قراردادند دو بیست و پنجاه تومان بدهند. یکصد تومان [را] والی زاده رئیس تلگراف که توسط نموده بگیرند، بقیه را نواب والا دریافت بدارند. احمد علی خان نایب الحکومه بندر راهم دو بیست تومان قرارداداده نقد بدهد اوراهم مرخص نمایند. قنبر اصفهانی و علی کفاش چون واسطه [اند] و پول ندارند عجالاً در حبس خواهند بود. با گرفتن وجه رشوه آیا ممکن است قاتل را به دست آورده مجازات نمایند. ابدأ احقاق حق مظلوم نخواهد شد.

۹۸- اصل: مهرقه.

* اسم ناخواناست. ود صفحه ۶۴۸.

نمره ۱۵۵

سیام ماه جون ۱۹۱۹

درباب ورود

بیستم ماه جون دو بیست نفر قزاق بادو عراده توپ مسلسل از کیلان به مأموریت استرآباد وارد گردیدند.

درباب چپاول

روز مذکور دو نفر اهالی شهریک فرسخی شمالی برای آوردن علف رفته، چند نفر ترکمان مراجعت از شهر مالهای آنها را بردند.

درباب سرقت

شب بیست و یکم ماه مذکور سه نفر ملازمان امیرامجد سه اسب و سه قبضه «موزر» و یک عدد «براونیک» و یک قاب ساعت طلا و یک عدد قوطی سیگار طلارا گرفته فرارآبه مازندران میروند.

درباب نزاع

بیست و سیم ماه جون خبر رسید درخوجه نفس بین تراکه نزاع می شود. یک نفر را باشمشیر زخم زده و یک نفر با تفنگ دو رأس اسب راهم تیرزده سقط شدند. تاجه شود.

درباب حمل جو

تجار گموش تپه درکنار دریا یک باب آسیای آتشی دارند. شوخبای ترکمان هم یک دستگاه درخوجه نفس دایر دارند. چندی است که غله به دست آمده، اتصالاً جو و گندم را آرد کرده حمل به روسیه می نمایند و فعلاً جو و گندم خیلی تنزل کرده است. جو را خرواری پنج تومان، گندم را خرواری ده تومان می فروشند.

درباب پیغام حکومت

شاهزاده معتمدالدوله برای خوانین یموت پیغام می دهند که باید مالیات هذه السنه را به انضمام دزدهای معروف که در صحرا هستند بدهید. ترکمانها جواب می دهند امساله را عفو فرمایند سال آتیه را می دهیم. دزدهای یموتی را ماها نمی توانیم بگیریم. اگر نواب والا قوه و استعداد دارند شخصاً بگیرند. ماها راضی هستیم. تاجه شود.

درباب حکومت

روز بیست و ششم ماه مذکور نواب والا از بندر جز لواءالدوله رئیس قشون را

با امیر امجد احضار کرده رفتند. روز بیست و هشتم خبر رسید از راه قراسو در بش اوسقه و خوجه نفس توقف و روز بیست و نهم را به گموش تپه می روند.

درباب سارقین

از ساری خبر دادند تلگرافاً ملازمان امیر امجد را ژاندارمها دستگیر کرده در تلگرافخانه حبس نموده اند. مشارالیه اسبهارا قبل از وقت بخشیده است. یکی را به ثقة السلطنه نایب الایاله، یکی را به رئیس نظمیه که سارقین [را] تحت الحفظ بیاورند. تا چه اقتضا کند.

درباب اعانه

به اسم بیچارگان ارومیه حسب الامر نواب والا کمیسیونی برای جمع آوری وجوه اعانه معین کرده، بعد از حرکت ایشان به سمت بندر در منزل آقا علی خان رفته هزار و پانصد تومان صورت دادند. نواب والا هم چند شب در بندر جز توقف فقط برای گرفتن وجه اعانه بوده است. از قرار مذکور اهالی بندر برای وجوهات بریه و اعانه و غیره همت عالی دارند. برای حریق قریه نوکنده هزار و ششصد تومان بدون هیچ اظهاری جمع کرده به اهالی نوکنده دادند. حسب الامر نواب والا هزار تومان متجاوز اهالی بندر اعانه داده اند. لکن شهرتی دارد گرفتن وجه اعانه مخصوص است برای مخارج نواب والا که به تراکمه خلعت داده بودند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۱۶

۱۷ ماه جولای ۱۹۱۹

درباب سرقت

غره ماه جولای خبر رسید یک رأس اسب، دو رأس گاو از قریه محمد آباد یک فرسخی شمالی به سرقت بردند.

درباب حکومت

به عرض رفته بود نواب والا به عنوان تماشا به گموش تپه رفته اند، دوشب در آنجا توقف کرده به قرب چهارصد تومان به اطفال تراکمه انعام داده [در] مراجعت یک شب در خوجه نفس منزل شوخ بای ورود کرده، دویم ماه جولای به کردم حله آمدند. روز سیم از طرف نایب الایاله جار کشیدند یک ساعت به غروب اهالی بازارها را بسته استقبال بروند. رؤسای دوایر نیم فرسخی مغربی استقبال رفته، اهالی شهر جلو دروازه آمده به احترام ورود نمودند.

درباب والی زاده رئیس تلگراف

مشارالیه چندی با تجار استرآبادی طرفیت داشتند. تجار عریضه شکایت آمیز به آقای رئیس الوزراء عرض نمودند. حکم شد والی زاده به عنوان تعمیرسیم راه مازندران روز چهارم حرکت کرده از بارفروش عزیمت طهران نمایند.

درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید بین طایفه قجق و سایر طوایف که جعفربائی و اتابائی باشند یک خصومت و عداوتی سخت گردیده، شب و روز مشغول نزاع هستند. ترکمانهای قجق به ترک رفته دونفر چاروای آق اتابائی را به قتل رسانیده یک بلوک گاو، مال چپاول کرده بردند.

درباب سرقت

به عرض رفته بود ملازمان امیرامجد را امر شد تحت الحفظ به استرآباد بیاورند. ورود به اشرف چون عده ای ژاندارم در آنجا بود سارقین پناهنده شده و پنج ساله کنترات نوکری نموده قوطی سیگار طلا را به صاحب منصب ژاندارم می دهند.

درباب مازندران

ایضاً به واسطه مخالفت خوانین مازندران دولت علیه امر کرده به اداره ژاندارم خوانین را خلع اسلحه نمایند. هشتم ماه جولای ژاندارم به قریه لیوان هشتیکه که جزء بلوک استرآباد است آمده یعقوبعلی سلطان مباشر نواب سیف الملک [را] خلع سلاح [کرده و] بیست و سه قبضه تفنگ سیستم مختلف و براونیک و موزر از مشارالیه گرفته رفتند. نواب معتمدالدوله در این باب به طهران مذاکره کرده، استرآباد با بودن تراکمه ابدأ جایز نیست کسی را خلع اسلحه بنمایند. اول باید اسلحه ترکمان را جمع آوری نمود بعد از اهل ولایت به سهولت می توان گرفت.

درباب قزاقها

یکصد نفر قزاق که از خراسان مأموریت استرآباد آمده [بودند] مجدداً امر شد عودت به محل سابق نمایند. به اتفاق سالار اشرف فرمانده روز دوازدهم حرکت کرده رفتند.

درباب عداوت تراکمه

کلیه طوایف یموت که باهم نزاع نمودند و قتل واقع شد علی الرسم قاتل مجبور است از مکان مقتول فرار کند و برود به طایفه دیگری. بعد از یک سال یا دو سال اگر طرفین میل به اصلاح نمایند جمعی از ریش سفیدان خیراندیش جمع شده خون بست نمایند، والاتا شخص قاتل زنده باشد باید تقاص نمایند و بعد اولادها تقاص می نمایند.

قربان نام طایفه اتابائی با طایفه جعفربائی خونی بوده يك نفر را به قتل رسانیده بود. چهاردهم ماه جولای بستگان مقتول با عرابه به شهر آمده بودند و قربان نام هم به شهر بوده بیرون دروازه شهر کسان مقتول در کمین می شوند. چهارتیر برای قربان خالی کرده يك تیر به او می خورد. گماشتگان ایالت مخبر شده مرتکبین را گرفته حبس کردند. قربان رادر شهر آورده مشغول معالجه هستند. خوانین و پیرمردان جعفربائی خدمت نواب والایک رأس اسب تقدیم کرده مرخصی برای محبوسین حاصل شده رفتند.

درباب گرفتن اسلحه مازندران

ایضاً خبر رسید اسمعیل خان امیر مؤید را خلع اسلحه نمودند و سردار جلیل را هم برای اسلحه توقیف کرده از آنجا به هزار جریب می روند که سردار رفیع را خلع اسلحه نمایند. مشارالیه به اتفاق امیر اکرم پسرش فراراً به استرآباد آمده پناهنده به حکمران می شوند. نواب والا شیرزاد خان سرتیپ توپخانه را به هزار جریب فرستاده دوستانه از مأمورین مهلت گرفته شود. تا اینکه با آقای رئیس الوزراء مذاکراتی کرده قرار قطعی بدهند. تاجه اقتضا کند.

درباب سارق

هفدهم ماه مذکور سه نفر دزد ولایتی که از شاهکوه و چمن ساور مال سرقتی همراه داشته چهار فرسخی مشرقی قراسورانها با خبر شده يك نفر سارق را دستگیر کرده با پنج رأس مال و اجناس خدمت حکمران در شهر آورده تسلیم نمودند.

نمره ۱۷۵

۲۸ جولای ۱۹۱۹

درباب مازندران

چندی است برای انقلاب مازندران و اجحافات ژاندارم سانسور گذارده و نوشتجات رانمی رسانند. سردار جلیل را با سردار مکرم لاریجانی تحت الحفظ به طهران برده اسمعیل خان امیر مؤید به سوادکوه رفته و سنگربندی محکمی می نمایند. ژاندارم و قزاق برای گرفتن مشارالیه مأمور گردیده از قرار مذکور دو مرتبه هم جنگ نموده برای مأمورین پیشرفتی حاصل نشد. سردار رفیع که به حکومت استرآباد پناهنده شده است نواب والاتلگرافی نوشته درباره مشارالیه به رئیس الوزراء مخبره می نماید. جواب رسیده سردار رفیع را به فوریت روانه به مرکز نمایند. مساعدت با ایشان خواهد شد. عجالتاً برای جمع آوری اسلحه مازندران دولت سختگیری نموده، لکن رعایای بیچاره از تعدیات ژاندارم و قزاق صاحب مال و مواشی و ناموس نمی باشند.

درباب تراکمه

طایفه جعفربائی به دو فرقه بزرگ موسومند. یکی طایفه یارعلی و یکی طایفه نورعلی. عموماً در اوامر نواب والا کمال صدق خدمتگراری را دارند. چنانکه روز بیست و یکم ماه جولای جمعی خوانین و قضات آنها خدمت ایالت آمده باقرآن مجید قسم یاد کردند که بانواب والا برای انعقاد اردو مساعدت نمایند. لکن عثمان آخوند [که] چندی قبل به گنبد قابوس فرار کرده به گموش تپه می رود از ترس دولت فخریه انگلیس بوده شاید يك عده قشون از بجنورد خواهد رفت. از بندر جز خاطر جمعی ۹۹ حاصل کرده مجدداً بادویست سوار به گنبد قابوس رفته ریاست و باج مالیات آنجا را اخذ نمایند. نواب حکمران به مهدی خان ایلخانی و معاون کمیسیون حسقلی خان پسر اعتصام الممالک و خوانین طایفه قجق و قان یخمز نوشته اند که از حرکات عثمان آخوند جلوگیری نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب نزاع

بیست و چهارم بین تراکمه داز و قرقچی برای يك رأس مال مسروقه نزاع می شود. طایفه قرقچی يك نفر از رؤسای طایفه داز کنگ نام را به قتل رسانیده، تفنگ و لباس اورا می برند. طرفین تهیه نزاع را گرفته نواب والا به توسط پیرمردان طایفه اتابائی بین ایشان ظاهراً اصلاح [کرده] جنگ را موقوف نمودند و ترکمان قاتل هم فراراً به جعفربای رفته است.

درباب خبر

بیست و ششم ماه جولای انتشار داده شده است برای محمدعلی میرزا در طهران منزل تخلیه گردیده و شعاع السلطنه هم استقبال رفته است. ایضاً منتشر است اعلیحضرت سلطان احمدشاه تهیه رفتن فرنگستان را دارند. تاجه اقتضا کند.

درباب فوت

شیرزادخان سرتیپ توپخانه که از طرف ایالت استرآباد برای جلوگیری ژاندارم و پرستاری اهل و عیال سردار رفیع به هزار جریب رفته بودند بیست و هشتم ماه مذکور خبر رسید مشارالیه مشغول نماز خواندن بوده سگته عارض گردیده فوت شد. اصلاً آنرا بایجانی [بود]، به قرب شصت و پنج سال از عمر ایشان می گذشت. خداوند رحمت کند اورا.

نمر ۱۸۵

۴ ماه اگست ۱۹۱۹

در باب قتل

سیام ماه جولای خبر رسید درگموش تپه بین تراکمه نزاعی اتفاق افتاده يك نفر مقتول شد.

در باب عثمان آخوند

ایضاً نواب والا معتمدالدوله يك عده قزاق از راه فندرسك به گنبد قابوس فرستاده به معیت ایلخانی اگر بتوانند عثمان آخوند را دستگیر کرده بیاورند. تاجه اقتضا کند.

در باب بالشویک

کارگزار بندر جز تلگرافاً به کارگزار استراباد خبر می دهد بالشویک زیادی توی دریا و عشوراده آمده گردش کرده يك پراخوت تجارتي که دارای چند نفر زوار خراسان بوده پراخوت را ضبط ۱۰۰ می نمایند. از استراباد امر شد يك عده قزاق به کمک قزاقهای بندر جز بروند. کلنل لاورییچ دونفر قزاق به عنوان قراولی بیرون دروازه فوجرد فرستاده کشف مطلب نمایند. در ضمن ۱۰۱ حکومت و کارگزار تلگرافخانه رفته باطهران مذاکره و استعداد می خواهند. رئیس الوزراء وثوق الدوله به استراباد و ساری امر کرده فوراً يك عده کاملی قزاق عاجلاً بندر جز روانه دارند. ایالت متوحش گردیده شبانه دوبچه هایش را [که] به سن دوازده سالگی می باشند با اثاثیه خود همراه دکتر فهمیم السلطنه به انضمام يك صندوق پول به خانه کربلائی آقا طاهر بقال فرستاده. غره ماه اگست چند عرابچی از گموش تپه به شهر می آمدند يك فرسخی شمالی رسیده چند تیر تفنگ برای شغالی خالی می نمایند. قزاق قراول به خیال بالشویک فرار کرده از بیرون شهر فریادکنان بالشویک رسید، خود را کنار کشید شهر برهم خورده حکومت باربنه [را] بسته چند رأس مال مکاری گرفتند و اسبهای خود را زین کرده کارگزار هم متوحش [شده] سه چهارم مال گرفته اهل و عیال خود را به شاهرود حرکت بدهند. چند نفر پیاده تفنگچی هم برای محافظت اطراف بدنه و حصار شهر می فرستند. ایالت در بازار فرستاده جار کشیدند مردم فکر خودتان را بکنید بالشویک می رسد. دکاکین بسته شد. اکثر مردم فرار به جنگل [کرده] شخص حکومت هم با متعلقان برای فرار حاضر [شده]، منتظر چند عدد گلوله و صدای تفنگی بودند که از راه قزلق بروند. با این همه هیاهوها بعد از ظهر معلوم شد قزاق نفهمیده مطلب کذبی انتشار [داده] و شهر راهم برهم زده است.

۱۰۰- اصل: ظبت (همه جا).

۱۰۱- اصل: ظمن (همه جا).

ایضاً از بندر جز تلگرافی خبر دادند دیروز چند نفر بالشویک در قراسو آمده اظهار داشتند [چون] عشوراده کم وسعت است بر قراسو منزل نمائیم. ایالت حکمران بعد از ملاقات کلنل لاورییچ دو ساعت از شب گذشته نود نفر قزاق با دو عراده توپ «میترا یوز» به کردمحله روانه [کرده] از آنجا برای محافظت به قراسو رفتند. دویم ماه اگست دو نفر صاحب منصب قزاق مال مکاری از مردم گرفته عیالات خود را به طهران فرستادند. در ضمن خبر رسید قزاق مازندران چهارصد نفر وارد بندر جز [شده] از آنجا به قراسو و خوجه نفس و گموش [تپه] پست گذاشته. تاجه اقتضا کند.

در باب بالشویک

روز مذکور پنج نفر بالشویک بایک صاحب منصب از قراسو بیرون آمده وارد استراباد می شوند. رئیس نظمیه فوراً ایشان را دستگیر کرده خدمت حکمران برده استنطاق نمودند: دو نفر ارمنی که یکی از آنها صاحب منصب بوده و سه نفر ترک. امر شده توسط قزاقها روانه بندر جز نمودند. تاجه اقتضا کند. ویک نفر بالشویک هم در بندر دستگیر شد.

نمره ۱۹

۱۹ ماه اگست ۱۹۱۹

در باب قتل

شب پنجم ماه اگست دو نفر قزاق مست بوده با براونیک مشغول اصلاح بوده خالی می شود. قزاق رفیق را گرفته فوت شد. از ترس تیری هم بهران خود می زند. صبح اداره قزاقخانه با احترام نمش را برداشته دفن کردند. قزاق مجروح را مشغول معالجه می باشند.

در باب قزاق

روز پنجم ماه مذکور بقیه قزاقها ساخلوی استراباد امر شد برای محافظت بندر جز و کمک رفتند.

در باب غارت

ایضاً سید محمدخان ترکمان جعفر بائی از شهر اجناس و قدری برنج خرید به صحرا می رفت سه نفر ولایتی او را لخت کرده مال و به قرب سی تومان اجناس بایک قبضه براونیک او را گرفته بردند.

درباب بالشویکها

نهم ماه اگست خبر رسید به قرب چهارصد نفر بالشویک بادو پراخوت و شش عراده توپ در عشوراده توقف داشتند. خوراک آنها گوشت خوک بوده اکثر مریض و بی‌آنوقه بودند. می‌خواستند از قراسو بیرون آمده از راه رود گرگان به سمت عشق‌آباد رفته ملحق به آن بالشویکها بشوند. از قرار مذکور دو پراخوت جنگی انگلیسها بادو عدد بالان ۱۰۲ از خط گیلان آمده به فاصله شش ساعت چهارصد نفر بالشویک را متفرق ساخته، یک‌عده را با پراخوت دستگیر نموده، بعضی فرار [کرده] و برخی مقتول شده رفتند. یک پراخوت را چند نفر بالشویک با جواهرات زیادی به سمت شهسوار فرار می‌نمایند.

درباب خبر

۱۲ ماه مذکور از گنبد قابوس خبر می‌دهند جمعی از تجار و کسبه عشق‌آباد برای شرارت بالشویکها سیصد نفر شتر کرایه کرده با اموال و مال التجاره از راه قاری قلعه به سمت کردستان عازم هجرت می‌نمایند. از چنگ بالشویکها نجات یافته دچار تراکمه می‌شوند. تراکمه تمام آنها را لخت و غارت کرده بعضی پیاده به سمت بجنورد و قوچان فرار می‌نمایند. تاجه شود.

درباب قتل

۱۴ ماه اگست خبر رسید یک نفر قزاق در بندر جز مریض و سیدهم بوده صاحب منصب به او تغییر کرده چرا در مشق حاضر ۱۰۳ نمی‌شوی. سید قزاق تعصب ورزیده خود را باشلول زده به قتل می‌رساند. تاجه بوده است.

درباب باران

دوماه زیاده بود باران نیامده هوا بسیار سخت و گرم شده مرض محرقه از سال وبائی در استرآباد شدیدتر، چشمه‌سارها خشک و نابود، عمل زراعت بکلی ضایع بود. خداوند ترحم نمود شب پانزدهم ماه مذکور باران شدیدی آمده، تمام زراعت شلتوکی و کنجد سیراب شده، اهالی راحت شدند.

درباب قزاقها

شازدهم ماه اگست قزاقها اظهار می‌دارند که در بروجرد یکصد نفر قزاق رامسموم نموده‌اند عده‌ای قزاق استرآباد و مازندران را به طهران احضار نموده‌اند. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل

هفدهم ماه مذکور خلیل‌نام خیاط از گنبد قابوس مراجعت به شهر نموده زیر حد